

آشنایی با قانون مجازات اسلامی

(فصل تعدیات ماموران دولت)

نهاد ریاست جمهوری - وزارت دادگستری- سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۸۵/۹/۱ بنا به پیشنهاد شماره ۱۰۱/۱۱۷۵۰ مورخ ۱۳۸۳/۱/۲۹ سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور و به استناد یکصدوسی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ماده (۲۷) قانون رسیدگی به تخلفات اداری- مصوب ۱۳۷۲ و به منظور تامین اجرای وظایفی که دستگاه های اجرایی به موجب قوانین برای پیشگیری و مبارزه با فساد در نظام اداری بر عهده دارند و همچنین تکمیل آئین نامه اجرایی قانون رسیدگی به تخلفات اداری و پیش بینی ساز و کار اداری مناسب برای تسهیل خدمات رسانی به مردم ، آیین نامه پیشگیری و مبارزه با رشوه در دستگاه های اجرایی را به شرح زیر تصویب نمود:

آئین نامه پیشگیری و مبارزه با رشوه در دستگاه های اجرایی

فصل اول - مصادیق رشوه

فصل دوم - تکالیف و وظایف دستگاه های اجرایی

فصل سوم - تکالیف و وظایف کارکنان

فصل چهارم- نحوه رسیدگی به تخلفات رشوه گیرندگان و مجازات های اداری

فصل اول - مصادیق رشوه

ماده ۱- کارکنان و مسئولان دستگاه های اجرایی که مطابق بندهای ذیل مبادرت به اخذ وجه و یا مال نمایند یا سند پرداخت وجه یا تسلیم مالی را دریافت کنند یا موجبات جلب موافقت و مذاکره و یا وصول و ایصال مال یا سند پرداخت وجه را فراهم نمایند. با توجه به بند (۱۷) ماده (۸) قانون رسیدگی به تخلفات اداری - مصوب ۱۳۷۲ - پرونده آنان به هیئت های رسیدگی به تخلفات اداری برای اعمال مجازات مناسب ارجاع خواهد شد.

الف - گرفتن وجوهی به غیر از آنچه در قوانین و مقررات تعیین شده است.

ب - اخذ مالی بلا عوض یا به مقدار فاحش ارزانتر از قیمت معمول یا ظاهراً به قیمت معمولی و واقعاً به مقدار فاحش کمتر از قیمت.

ج- فروش مالی به مقدار فاحش گرانتر از قیمت به طور مستقیم یا غیر مستقیم به ارباب رجوع بدون رعایت مقررات مربوط.

د- فراهم نمودن موجبات ارتشاء از قبیل مذاکره جلب موافقت یا وصول و ایصال وجه یا مال یا سند پرداخت وجه از ارباب رجوع .

ه - اخذ یا قبول وجه یا مال یا سند پرداخت وجه یا تسلیم مال از ارباب رجوع به طور مستقیم یا غیرمستقیم برای انجام دادن یا ندادن امری که مربوط به دستگاه اجرایی می باشد.

و- اخذ هرگونه مال دیگری که در عرف رشوه خواری تلقی می شود ، از جمله هرگونه ابراء یا اعطاء وام بدون رعایت ضوابط یا پذیرفتن تعهد یا مسئولیتی که من غیر حق صورت گرفته باشد و همچنین پاداش و قائل شدن تخفیف و مزیت خاص برای ارایه خدمات به اشخاص و اعمال هرگونه موافقت یا حمایتی خارج از ضوابط که موجب بخشودگی یا تخفیف گردد.

فصل دوم - تکالیف و وظایف دستگاه های اجرایی

ماده ۲ - کلیه دستگاه های موضوع ماده (۱۶) این آیین نامه برای تحقق اهداف این آیین نامه نسبت به انجام موارد ذیل می باید اقدام نمایند:

الف- شفاف سازی مراحل انجام خدمات اطلاع رسانی مناسب به مردم ، اصلاح و کوتاه نمودن روش های خدماتی که به مردم ارایه می گردد ، توسعه فناوری اداری ، انجام نظرسنجی از مردم و مراجعات براساس دستورالعمل هایی که از طرف سازمان مدیریت و برنامه ریزی صادر می گردد.

(طرح تکریم مردم و جلب رضایت ارباب رجوع در نظام اداری و مصوبات مربوط به اصلاح سیستمها و روشهای اداری)
ب - آموزش کارکنان به نحوی که کارکنان ذریبط از مفاد این آیین نامه به طور کامل مطلع شده باشند.
ج- انتخاب بازرسان یا بازرسان از طرف وزراء و رؤسای سازمانها ، استانداران ، مدیران عامل ، شرکتها، رؤسای سازمانها ، مدیران کل واحدهای استانی برای انجام نظارت های لازم به طریق مقتضی و تهیه و ارایه گزارش در حیطه وظایف و ماموریت های محوله.

د- تشویق اشخاصی که تخلفات موضوع ماده (۱) این آیین نامه را گزارش نموده و گزارش آنان منجر به صدور حکم قطعی براساس آیین نامه شده باشد، مطابق آیین نامه ای که به پیشنهاد سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور به تصویب هیئت وزیران می رسد.
ه - پیش بینی حق فسخ برای دستگاه اجرایی در قرارداد با اشخاص حقیقی و حقوقی به منظور اعمال حق مذکور در مواردی که به تشخیص دستگاه اجرایی طرف قرارداد مرتکب یکی از اعمال بندهای ماده (۱) آیین نامه شود.

فصل سوم - تکالیف و وظایف کارکنان
ماده ۳- کلیه کارکنان دستگاه های موضوع آیین نامه مکلفند در صورت اطلاع از وقوع اقدامات مندرج در ماده (۱) نسبت به خود یا دیگرکارکنان مراتب را با ذکر مشخصات فرد یا افراد پیشنهاد کننده به هیئت های رسیدگی به تخلفات اداری و مقامات مافوق اطلاع دهند تا مطابق قانون پی گیری شود.
ماده ۴ - هر شخصی که در ارتباط با وظایف دستگاه های اجرایی از وی تقاضای رشوه شده و یا رشوه اخذ شده باشد یا تلاش برای گرفتن رشوه از وی شده باشد در اولین فرصت به مسئولان یا بازرسان موضوع ،
بند (ج) ماده (۲) آیین نامه گزارش کامل موضوع و مشخصات شخص یا اشخاصی را که این رشوه را تقاضا نموده یا به دست آورده یا برای به دست آوردن آن تلاش کرده اند به مسئولان مربوط ارایه دهد.

فصل چهارم- نحوه رسیدگی به تخلفات رشوه گیرندگان و مجازات های اداری
ماده ۵ - دستگاه های مشمول این آیین نامه به ترتیب زیر برای پی گیری و رسیدگی به تخلفات موضوع ماده (۱) و اعمال مجازات اقدام خواهند نمود:
الف- مقامات مندرج در ماده (۱۲) قانون رسیدگی به تخلفات اداری چنانچه از طریق بازرسان انتصابی به وقوع تخلفات موضوع ماده (۱) این آیین نامه توسط هریک از کارکنان یا مدیران و مسئولان مربوط اطلاع حاصل نمایند، مکلفند حسب اهمیت موضوع نسبت به اعمال یکی از مجازات های بندهای (الف) و (ب) و (ج) ماده (۹) قانون رسیدگی به تخلفات اداری اقدام نمایند.^۱

ب- در صورت تکرار تخلف یا گزارش و نایید بازرسان یا مدیران ذریبط ، هیئت های رسیدگی به تخلفات اداری مکلفند با توجه به میزان تخلف و حساسیت آن کارمندان متخلف را به یکی از مجازات های مقرر در ماده (۹) قانون یاد شده (به استثنای موارد مذکور در بند فوق) محکوم نمایند.^۲

ج- در صورت تکرار تخلف موضوع ماده (۱) این آیین نامه متخلف با تقاضای اعمال اشد مجازات های مندرج در ماده (۹) قانون رسیدگی به تخلفات اداری به یکی مجازات های باز خرید خدمت، اخراج یا انفصال دائم از خدمات دولتی توسط هیئت رسیدگی به تخلفات اداری محکوم خواهد شد.^۳

تبصره ۱- : مراحل مذکور در این ماده مانع از اعمال اختیارات هیئت های رسیدگی به تخلفات دارای در ماده (۹) بدون طی مراحل فوق الذکر نمی باشد و هیئت ها می توانند حسب درجه اهمیت تخلف موضوع مجازات های بند (ج) را برای بار اول و یا دوم اعمال نمایند.

تبصره ۲- مقامات ذی ربط با توجه به ماده (۱۳) قانون رسیدگی به تخلفات اداری می‌توانند کارکنانی را که پرونده آنان به هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری ارجاع می‌شود حداکثر به مدت سه ماه آماده به خدمت نمایند.

تبصره ۳- دستگاه‌های اجرایی که مشمول قانون رسیدگی به تخلفات اداری نمی‌باشند مکلفند براساس قوانین و مقررات مربوط به خود با تخلفات مندرج در این مقررات برخورد نمایند.

تبصره ۴- در صورتی که بازرسان موضوع بند (ج) ماده (۲) این آیین‌نامه مرتکب تخلفات بندهای ماده (۱) شوند با تقاضای اعمال اشد مجازات‌های مذکور در قانون رسیدگی به تخلفات اداری به هیئت‌های مزبور معرفی خواهند شد چنانچه تخلف ارتكابی بازرس عنوان یکی از جرایم مندرج در قوانین جزایی را نیز داشته باشد، پرونده آن به ترتیب مقرر در ماده (۱۹) قانون رسیدگی به تخلفات اداری به مراجع قضایی صالح ارجاع خواهد شد.

ماده ۶- در مورد تخلفات موضوع بندهای ماده (۱) این آیین‌نامه که واجد جنبه جزایی است، خصوصاً بندهای (ب)، (ج)، (د) و (ه) این ماده هیئت رسیدگی به تخلفات اداری ملکف است با رعایت ماده (۱۹) قانون رسیدگی به تخلفات اداری مراتب را جهت رسیدگی به مراجع قضایی صالح نیز منعکس نماید.

ماده ۷- در صورتی که اشخاص حقیقی و یا حقوقی طرف قرارداد با دستگاه‌های اجرایی مرتکب یکی از اعمال بندهای ماده (۱) آیین‌نامه شوند دستگاه ذیربط مجاز به عقد قرارداد جدید با اشخاص یاده شده به مدت پنج سال نمی‌باشد و این موضوع باید در شرایط معاملات با اشخاص حقیقی و حقوقی درج گردد.

تبصره ۱- دستگاه اجرایی مربوط موظف است مشخصات اشخاص حقیقی و حقوقی موضوع این ماده را به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور نیز اعلام دارد.

تبصره ۲- در صورتی که اشخاص یاده شده حداقل دو بار مرتکب تخلف مندرج در این ماده گردند سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور موظف است ضمن اعلام نام آنها به کلیه دستگاه‌های اجرایی خودداری از انجام معامله با اشخاص مزبور را جزء شرایط عمومی پیمان لحاظ نماید.

ماده ۸- شرایط انتخاب بازرسان موضوع بند (ج) ماده (۲) این آیین‌نامه به شرح زیر می‌باشد: °

الف - بازرسان باید از بین افراد امین، مطلع با حسن سابقه انتخاب شوند.

ب - صلاحیت بازرسان می‌باید به تایید واحدهای ارزیابی عملکرد و پاسخگویی به شکایات هر دستگاه با واحدهای مشابه برسد.

ج- هماهنگی، آموزش و نظارت بر کار بازرسان به عهده دفتر ارزیابی عملکرد و پاسخگویی به شکایات دستگاه است.

د- بازرسان موظفند سوگندنامه مخصوص را که برای همین منظور توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تهیه می‌گردد، امضاء نمایند.

ه - دستگاه‌ها می‌توانند حسب توانمندی‌ها و کارآیی و حجم مسئولیت محوله و خدمات برجسته‌ای که توسط بازرسان انجام می‌گردد به استناد ماده (۶) قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت تا میزان سی درصد (۳۰٪) مجموع حقوق و فوق‌العاده‌های مربوط به عنوان فوق‌العاده ویژه بازرسی به بازرسان پرداخت نمایند. فوق‌العاده یاد شده غیر مستمر است و مشمول کسر کسور بازنشستگی نمی‌باشد و تا زمانی که مستخدم به عنوان بازرس انجام وظیفه می‌نماید و گزارش‌های بازرسی آن واصل می‌گردد با نظر دستگاه ذیربط قابل پرداخت است.

و- دستگاه‌ها می‌توانند حداکثر به چهل درصد (۴۰٪) از بازرسانی که خدمات برجسته‌ای برای پیگیری و کشف موارد تخلف انجام می‌دهند تا یک ماه حقوق و مزایا علاوه بر پاداش پایان سال در چارچوب ماده (۴۱) قانون استخدام کشوری واحکام مشابه به عنوان پاداش پرداخت نمایند.

ز- بازرسان با پیشنهاد واحدهای ارزیابی عملکرد و پاسخگویی به شکایات، موضوع بخشنامه شماره ۱۰۸۰۱/۵۶۶۳ مورخ ۱۳۸۲/۳/۴، و با تایید مقامات مسئول منصوب می‌شوند. دفتر مذکور می‌تواند با حفظ پست و مسئولیت‌های مربوط و یا با

تغییر عنوان پست‌های سازمانی به پست بازرس برای انجام وظایف بازرسی استفاده نماید. در هر حالت بازرسان از فوق‌العاده‌های ویژه بازرسی بهره‌مند خواهند شد.

ج- در واحدهای استانی بازرسان با پیشنهاد روسای سازمان‌های استانی یا مدیران کل استان و تایید واحدهای ارزیابی عملکرد و پاسخگویی به شکایات در مرکز منصوب می‌شوند.

ط- بازرسان منصوب از طرف استانداران علاوه بر اجرای مفاد این آیین‌نامه در استانداری‌ها، عهده‌دار بازرسی و انجام این وظایف در سایر واحدهای استانی نیز می‌باشند.

ی- تعداد بازرسان هر دستگاه نباید از نیم درصد (۵/۰٪) کل کارکنان تجاوز نماید برای موارد خاص با تایید سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور این درصد قابل افزایش است.

ماده ۹- در صورتی که هریک از کارکنان واحدهای تحت سرپرستی مدیران روسا و مسئولان سازمان‌های موضوع این آیین‌نامه مرتکب یکی از تخلفات مندرج در ماده (۱) این آیین‌نامه شوند به مدیران و مسئولان مربوط به بار اول تذکر داده خواهد شد و برای بار دوم مدت شش ماه از انتصاب به سمت‌های یاد شده محروم و برای بار سوم تا دو سال از انتصاب به پست‌های مزبور ممنوع خواهند شد.

ماده ۱۰- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور مکلف است براساس روش‌های نظرسنجی از مردم و ارباب‌رجوع، گزارشات بازرسان و سایر منابع، هر ساله دستگاه‌های مشمول این آیین‌نامه را از نظر درجه سلامت اداری و میزان شیوع رشوه، طبقه‌بندی، تجزیه و تحلیل و سطح‌بندی نماید و نتایج راهکارها با راهکارهای اجرایی به رئیس‌جمهور و دیگر مسئولان منعکس نماید. کلیه دستگاه‌های مشمول این آیین‌نامه برای انجام مطلوب این ماده مکلف به همکاری با سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور می‌باشند.

ماده ۱۱- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور موظف است اقدامات لازم را برای توجیه و پیگیری اجرای این آیین‌نامه به عمل آورد.

ماده ۱۲- دستگاه‌های اجرایی موظفند برای اجرای دقیق این آیین‌نامه واحدها و گروه‌هایی از کارکنان خود را که بیشتر در معرض دریافت و پرداخت رشوه می‌باشند اولویت‌بندی نمایند و نقاط آسیب‌پذیر را با جدیت و اولویت اصلاح نمایند.

ماده ۱۳- هرکدام از دستگاه‌های مشمول این آیین‌نامه موظفند طی حکمی یکی از معاونان دستگاه را که مسئول اجرای طرح تکریم مردم و جلب رضایت ارباب‌رجوع، موضوع تصویب‌نامه شماره ۲۶۳۹۴/ت/۲۱۶۱۹ هـ ۱۳۸۱/۶/۱ می‌باشد مسئول پیگیری، نظارت و اجرای این آیین‌نامه نمایند و گزارش‌های مربوط را هر شش ماه یکبار به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور ارائه دهند. سازمان یاد شده پس از جمع‌بندی، گزارش دستگاه‌های اجرایی را تهیه و به رئیس‌جمهور و شورای عالی اداری تقدیم می‌کند.

تبصره ۱- به منظور ایجاد هماهنگی بین واحدهای ذی‌ربط در هر دستگاه اجرایی، رفع موانع و مشکلات اجرایی، دریافت گزارشات و پیگیری مستمر اجرایی این آیین‌نامه، کار گروهی با مسئولیت معاون دستگاه اجرایی موضوع ماده (۱۳) این آیین‌نامه و با عضویت مسئول واحد ارزیابی عملکرد و پاسخگویی به شکایات (دبیرکار گروه)، مسئول واحد بهبود سیستم‌ها و روش‌های اداری، مسئول واحد حراست، مسئول هماهنگی هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری یا رئیس هیئت بدوی (در صورت تشکیل هیئت) و یکی از بازرسان تشکیل می‌گردد.

تبصره ۲- واحدهای حراست موظفند که نتایج بازرسی‌ها و اقدامات قانونی خود را در خصوص این تصویب‌نامه به کار گروه یاد شده ارائه نمایند.

ماده ۱۴- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت آموزش و پرورش، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، وزارت بهداشت و درمان و آموزش و پرورش و سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران مکلفند در جهت افزایش آگاهی عمومی مردم از قوانین و مقررات و فعالیت‌های انجام شده در جهت اصلاح روش‌های مورد عمل و جلب

مشارکت مردم برای رفع معضلات موجود، برنامه‌ریزی و اصلاح برنامه‌های آموزشی معارف اسلامی (فرهنگ سازی) برای دانش‌آموزان، دانشجویان، کارگزاران دولت و کلیه افراد جامعه به منظور افزایش مهارت‌های رفتاری و تغییر گرایش و نگرش ذهنی و ایجاد بسترهای مناسب فرهنگ فساد ستیزی اقدامات لازم را انجام دهند دستگاه‌های یاد شده ملکف به همکاری با سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور می‌باشند.

ماده ۱۵- مسئولیت پیگیری این آیین‌نامه بر عهده دبیرخانه ستاد ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد خواهد بود دبیر ستاد یاد شده گزاری از پیشرفت کار به رئیس جمهور و ستاد ارایه خواهند نمود.

ماده ۱۶- کلیه دستگاه‌های مذکور در ماده (۱۶۰) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۸۳ - و نیروی انتظامی و کارکنان قوه قضاییه، بانک‌ها و بیمه‌های دولتی، نهادهای عمومی و غیر دولتی و شهرداری‌ها مشمول این آیین‌نامه می‌باشند.

محمدرضا عارف

معاون اول رئیس جمهور

۱- در بند «الف» ماده (۵) واژه «مکلفند» به واژه «می‌توانند» اصلاح می‌شود (مصوبه شماره ۱۳۲۸۳/ت ۲۴۹۱۲ هـ مورخ

۸۵/۲/۷ هیئت وزیران انتشار روزنامه رسمی ۱۷۸۳۲ مورخ ۸۵/۲/۱۳)

۲- در بند «ب» ماده (۶) قبل از واژه «مکلفند» عبارت «و با احرار تخلف» اضافه می‌گردد و عبارت داخل پرانتز (به استثنای موارد مذکور در بند فوق) حذف می‌شود. (قبلی)

۳- بندهای «ج» ماده (۶) به شرح زیر اصلاح می‌شود: «ج - در صورت تکرار تخلف موضوع ماده (۱) این آیین‌نامه و با تقاضای اعمال اشد مجازات‌های مندرج در ماده (۹) قانون رسیدگی به تخلفات اداری، هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری با احرار تخلف می‌توانند متخلف را به یکی از مجازات‌های موضوع ماده (۹) از جمله بازخرید خدمت، اخراج یا انفصال دایم از خدمات دولتی محکوم نمایند» (قبلی)

۴- در تبصره (۲) ماده (۵) بعد از واژه «ارجاع» عبارت «شده یا» اضافه می‌گردد. (قبلی)

۵- در بندهای «ه، و.ز» ماده (۸) به ترتیب قبل از عبارت‌های «تا میزان» و «حداکثر» و «از فوق‌العاده‌های» عبارت «در حدی که بار مالی آن از طرف هریک از دستگاه‌های مربوط قبلاً تأمین و محاسبه شده باشد» اضافه می‌شود. (مصوبه شماره ۱۳۲۸۳/ت ۲۴۹۱۲ هـ مورخ ۸۵/۲/۷ هیئت وزیران انتشار روزنامه رسمی ۱۷۸۳۲ مورخ ۸۵/۲/۱۳)

رشوه

کارکنان و مسئولان دستگاه‌های اجرایی که مطابق بندهای ذیل مبادرت به اخذ وجه و یا مال نمایند یا سند وجه یا تسلیم مالی را دریافت کنند یا موجبات جلب موافقت و مذاکره و یا وصول و ایصال مال یا سند پرداخت براهم نمایند، با توجه به بند (۱۷) ماده (۸) قانون رسیدگی به تخلفات اداری - مصوب ۱۳۷۲ - پرونده آنان به ای رسیدگی به تخلفات اداری برای اعمال مجازات مناسب ارجاع خواهد شد.

رفتن وجوهی به غیر از آنچه در قوانین و مقررات تعیین شده است.

مالی بلا عوض یا به مقدار فاحش ارزاتر از قیمت معمول یا ظاهراً به قیمت معمولی و واقعاً به مقدار فاحش قیمت.

مالی به مقدار فاحش گرانتر از قیمت به طور مستقیم یا غیر مستقیم به ارباب رجوع بدون رعایت مقررات

نمودن موجبات ارتشاء از قبیل مذاکره جلب موافقت یا وصول و ایصال وجه یا مال یا سند پرداخت وجه از ارباب

یا قبول وجه یا مال یا سند پرداخت وجه یا تسلیم مال از ارباب رجوع به طور مستقیم یا غیرمستقیم برای انجام دادن امری که مربوط به دستگاه اجرایی می‌باشد.

هرگونه مال دیگری که در عرف رشوه‌خواری تلقی می‌شود، از جمله هرگونه ابراء یا اعطاء وام بدون رعایت پذیرفتن تعهد یا مسئولیتی که من غیر حق صورت گرفته باشد و همچنین پاداش و قائل شدن تخفیف و مزیت ای ارایه خدمات به اشخاص و اعمال هرگونه موافقت یا حمایتی خارج از ضوابط که موجب بخشودگی یا تخفیف

رشوه به متاع و یا امتیازی اطلاق می‌شود که گیرنده ای آن، به خاطر انجام کاری که قانون به عهده او گذاشته است از کسی که نیاز به کمک او دارد، اخذ می‌کند. البته دادن و گرفتن رشوه درموارد مختلف، به اشکال گوناگونی صورت می‌گیرد گاه جهت تسریع امری و انجام خارج ازنوبت، زمانی به خاطر انجام کاری که قانوناً برعهده ای او نیست ولی به لحاظ نفوذ اجتماعی، توان انجام آن را دارد. دربرخی موارد هم جهت ابطال حق و احیای باطلی، پول های هنگفتی، تحت عناوین: حق الرحمة، پول چای، هدیه و شیرینی رد و بدل و دست به دست می‌شود.

رشوه خواری و فساد اداری به عنوان يك پدیده ای ناهنجار، انحطاط درجهات مختلف يك جامعه را سرعت می بخشد، لذا درکلیه نظام های جهانی شدیداً مورد نکوهش قرار گرفته است آمار و ارقام که از داد و ستدهای پولی (رشوه) تحت عناوین مختلف، ارائه می شود، حقیقتاً سرسام آور و نگران کننده است، براساس تحقیق سازمان بانك جهانی، همه ساله بیش از يك تریلیون دلار رشوه در کشورهای غنی درحال توسعه پرداخت می شود. عواقب وخیم این پدیده ی شوم، جامعه جهانی را مجبور به عکس العمل نموده در نتیجه تصویب کنوانسیون پیمان منع رشوه و فساد اداری سبب شده است.

زشتی رشوه درآموزه های دینی

مکتب انسان ساز اسلام به عنوان يك جریان زنده و پویا، اخذ رشوه را به مثابه يك عمل زشت، نفرت انگیز و گناه بزرگ و نابخشودنی، معرفی نموده و انسان ها را از رشوه دادن و رشوه گرفتن و واسطه گری بین دهنده و گیرنده به شدت نهی کرده است، پیامبر اکرم (ص) می فرماید: لعنت خداوند بر رشوه دهنده و رشوه گیرنده و واسطه بین آن دو، باد. درجای دیگری بازار آن بزرگوار نقل شده است از رشوه خواری پرهیزد چرا که رشوه کفر محض است و رشوه خوار، حتی بوی بهشت را استشمام نخواهد کرد از امام صادق (ع) نیز نقل شده است که: رشوه خواری در مقام قضاوت و داوری به منزله ی کفر به خداوند است

در قرآن کریم گرچه لفظ رشوه ویا هم خانواده ای آن، ذکر نشده است ولی تعبیر دیگری نظیر: اثم، سحت واکل باطل آمده است که احادیث و روایات معصومین، یکی از مصادیق آن را رشوه خواری ذکر کرده اند، در سوره بقره می خوانیم: اموال همدیگر را به ناحق نخورید و برای خوردن اموال مردم، مرتکب گناه نشده و قسمتی از آن را به قضا ندهید در حالی که بطلان آن را می دانید.

در آیه ی دیگری می خوانیم آنها جاسوسان دروغ گو و خورند گان مال حرام هستند. اهل لغت گفته اند: هر چیزی که از راه حرام کسب شود سحت گفته می شود. سیاق آیه دلالت دارد بر این که مراد از سحت در آیه ی شریفه، همان رشوه است هنگامی که از امام علی (ع) درباره سحت، پرسیده می شود حضرت آن را به رشوه تفسیر می کند در حدیثی دیگر در تفسیر (اکل السحت) آمده است خورنده ی سحت کسی است که حاجت برادرش را برآورده می سازد سپس هدیه او را می پذیرد. چنانچه پیامبر اکرم (ص) خطاب به حضرت علی (ع) می فرماید: ای علی، این مردم بعد از من، با ثروت شان آزمایش می شوند. شراب را به اسم نیک و رشوه را به نام هدیه حلال می دانند.

از مجموع مطالب یاد شده، زشتی و حرمت رشوه خواری از نظر قرآن و روایات و آموزه های دینی به خوبی روشن می شود. در بین فقها نیز کسی پیدا نمی شود که راجع به حرمت اخذ و اعطاء رشوه شک و تردیدی کرده باشد.

رشوه در قالب هدیه

از آن جایی که رشوه خواری يك عمل زشت، نامشروع و غیر قانونی بوده و در عرف عامه ای مردم نیز به عنوان يك امری نامطلوب و غیر اخلاقی شناخته شده است، اکثراً تحت عناوین دیگری مثل: شیرینی، حق الزحمه، پول چای و هدیه یاد شده و رشوه گیرنده با تغییر نام و عنوان، زشتی و قباحات عمل خویش به زعم خود می پوشاند در حال که تغییر نام و عنوان در ماهیت نامشروع رشوه تأثیر نداشته و زشتی آن را دگرگون نخواهد کرد. رسول گرامی اسلام (ص) مردی به اسم (لته) را برای جمع آوری مالیات، مأموریت می دهد، آن شخص بعد از مدتی، خدمت پیامبر (ص) رسیده و اموالی را که به عنوان مالیات، جمع آوری کرده بود را به پیامبر (ص) تقدیم نموده و مقداری را به عنوان این که به شخص خودش هدیه شده است، پیش خود نگهداری می کند، پیامبر اکرم (ص) خیلی ناراحت می شود لذا بالای منبر رفته می فرماید: چه می شود کارگزاران ما را او که برای انجام کاری مأمور می شود می گوید: این برای شما و این هم به من هدیه شده است؛ چنین شخصی اگر در خانه اش ویا در خانه ی خدا می نشست، آیا کسی براو هدیه می داد؟ قسم به خدای که جانم در دست اوست کسی چنین چیزی را نمی گیرد مگر آن که روز قیامت آن را برگردنش حمل می کند.

از جمله کسانی که رشوه ای را در قالب هدیه می خواهد تقدیم کند، اشعت بن قیس است او برای پیروزی و غلبه بر طرف دعوی خود در محکمه عدل علی (ع) شبانه ظرف پراز حلوا ی لذیذ به در خانه ای علی (ع) می آورد و نام آن را هدیه می گذارد: (... شب هنگام کسی به دیدار ما آمد و ظرف سربوشیده پراز حلوا داشت، معجونی در آن ظرف بود چنان از آن متنفر شدم که گویا آن را با آب دهان مارسمی، یا قی کرده آن، مخلوط کرده اند به او گفتم هدیه است؟ یا زکات و صدقه؟ که این دو بر ما اهل بیت پیامبر حرام است. گفت نه، نه زکات است و نه صدقه بلکه هدیه است. گفتم: زنان بچه مرده بر تو بگیرند، آیا از راه دین وارد شدی که مرا بفریبی...؟ به خدا سوگند اگر هفت اقلیم را با آنچه در زیر آسمان ها است به من دهد تا خدا را نافرمانی کنم که پوست جوی را از مورچه ای ناروا بگیرم چنین نخواهم کرد.

بنابراین هدایای که امروزه به روسا، مدیران و کارمندان ادارات، پیش کش می شود اکثریت قریب به اتفاق آن، همان عمل زشت و نامشروع رشوه است که چهره بد منظر خود را با جامعه و ردای زیبای هدیه، پنهان و مستور می نماید و هدیه دهنده هدف دیگری ندارد جز اینکه در مواقع لزوم بتواند از قدرت و نفوذ سیاسی و اجتماعی هدیه گیرنده به نفع خود و اطرافیان خویش،

سود برده و بهره برداری نماید والا چرا به انسان های مستضعف و معمولی که مستحق کمک هستند کسی هدیه نداده و دعوت و مهمانی نمی کنند؟

علل پیدایش رشوه خواری:

کارشناسان درباره ی علل پیدایش رشوه خواری در میان جوامع عوامل چندی را برشمردند.

۱- حرص دنیا و دوری ازمعنویت:

اخلاق، ایمان و معنویت، اساس ارزش ها و فضایل انسانی به حساب می آید، و باعث فداکاری، عفت و پاکدامنی انسان شده و سبب چشم پوشی و بی اعتنایی به برخی لذایذ مادی به خصوص اعمال نامشروع و خلاف قانون می شود. در طرف مقابل، فقدان ایمان، دوری ازمعنویت و بی توجهی به توحید و معاد، اساس هر جرم و جنایت از جمله ضایع نمودن حقوق دیگران را تشکیل می دهد. چنانچه قرآن کریم می فرماید: برای آنها که به سرای آخرت، ایمان ندارند، صفات زشت و برای خداوند صفات عالی است و او قدرتمند و حکیم است. رشوه خواری یکی از مصادیق برجسته ی صفات زشت و ناپسند می باشد. بنابراین کسان که ایمان و اعتقاد به ارزش های اخلاقی و انسانی نداشته و وابسته به آن، پای بند نباشند در اخذ و اعطای رشوه و واسطه گری بین دهنده و گیرنده، از هیچ تلاش و کوششی فرو گذاری نخواهد کرد، زشتی و فحاحت رشوه در درازمدت برای چنین افراد از بین رفته و به عنوان یک اصل راهبرد، در زندگی اجتماعی شان، نهادینه خواهد شد.

۲- فقدان امنیت شغلی:

نخستین شرط تلاش و فعالیت سالم در حوزه های مختلف اجتماعی، سیاسی فرهنگی و اقتصادی، تضمین و داشتن امنیت و آرامش است در هر حوزه از حوزه های زندگی انسان، اگر ناامنی حاکم شود، نه تنها تلاش و توسعه در آن متوقف می شود بلکه آثار سوء تخریبی آن، در کوتاه ترین زمان ممکن، آشکار گردیده و زیان های جبران ناپذیری را سبب خواهد شد.

در حوزه ی فعالیت های اقتصادی و مدیریتی نیز در بسیاری از موارد به دلیل فراهم نبودن تأمین شغلی، مدیران، کارمندان و کارگران، سعی می کنند در مدت زمانی که تصدی و مدیریت یک نهاد و اداره را برعهده دارند نیازهای آینده ای خود را تأمین کنند تا در صورت بیکار شدن، بتوانند برای یک مدت، احتیاجات خود را برطرف نمایند. لذا برای تأمین آینده و پس انداز مالی راه های غلط، نامشروع و خلاف قانون را در پیش گرفته و با آزار و اذیت ارباب رجوع، آنان را مجبور به پرداخت رشوه می نمایند.

۳- عدم تعادل دخل و خرج:

از جمله عوامل که در ناهنجاری ها و آسیب های اجتماعی، نقش به سزای دارد، فقر و تنگ دستی است در آموزه های دینی نیز فقر به عنوان مرگ بزرگی که دنیا و آخرت انسان را نابود می کند یاد شده است. لذا کارشناسان علوم اجتماعی، عدم تعادل دخل و خرج کارگران، کارمندان و مدیران را به عنوان عامل مؤثر در شیوع رشوه خواری، معرفی می کند. زیرا میزان حقوق کارمندان در صورتی که کفاف مخارج زندگی شان را نکند، بخش اعظم از آنان، به خاطر نیاز مالی و هماهنگ نبودن درآمدها با مخارج زندگی، راه های غیرقانونی را در پیش گرفته در نتیجه به نحوی، روند رسیدگی به درخواست مراجعین را تغییر داده و موانع ایجاد می کنند تا افراد برای رسیدن به اهداف خود، مجبور به پرداخت رشوه شوند.

۴- ضعف در اجرای قانون:

قدرت و صحت عمل قوه ی قضائیه در هر جامعه ای مهم ترین عاملی است که می تواند سلامت و بقای جامعه را تضمین کند، برخی از عوامل قانون گیر و نظم ستیز به نارسایی های برمی گردد که در دستگاه قضایی و توابع آن وجود دارد، ضعف در اعمال حدی و قاطعانه ی قانون و بار نبودن منفذ های فرار از آن، باعث تجرعی خلاف کاران و تشجیع آنان به ادامه و گسترش

خلاف کاری است، با زیان و آسیبی که از این طریق بر شهروندان پای بنده قانون وارد می آید و بهای سنگین که بابت قانون گرای خویشتن می پردازند، موجبات جذب ناخواسته ای آنان به صف قانون شکنان و تسری فرهنگ قانون گریزی و نظم ستیزی در بخش های دیگر جامعه فراهم می آید.

آثار پیامدهای رشوه خواری

فساد و بی بندوباری اداری در قالب رشوه خواری از جمله آسیب های اجتماعی و اداری است که در توسعه کشورها، آثار پیامدهای منفی فراوانی را بر جای نهاده و هزینه های هنگفتی را در حوزه های سیاست و اقتصاد، بر جای می گذارد که اجمالاً به چند نمونه از آن اشاره می شود.

۱- ابطال حق و احیای باطل:

اولین ثمره ی شوم پدیده ی رشوه خواری، تضییع حقوق افراد ضعیف، بی چاره و مظلوم است. آنان که پول و پارتی دارند با استفاده و بهره برداری از آن، دعاوی حقوقی و جزایی را به نفع خود و اطرافیان خویش، به نتیجه می رسانند رأی دادگاه ها را به سود طرف خاصی تغییر می دهند و نیز کسانی که پای بنده قانون و حقوق دیگران هستند در این میدان بده و بستان، حقوق شان پایمال شده و زیان های جبران ناپذیری را باید متحمل شوند.

۲- گسترش فعالیت های غیرقانونی:

وضع و اجرای قوانین اجتماعی، برای آرامش و امنیت جامعه و جلوگیری از اعمال خلاف که زیان های فراوانی را به دنبال دارد، در نظر گرفته شده است. در این میان، افراد سود جو، فرصت طلب، خلاف کار و قانون ستیز، همیشه دنبال روزنه و منفذی هستند تا بتوانند با اعمال خلاف قانون، منافع شوم شان را به دست آورند و پرداخت رشوه دردنیای امروز، امن ترین مسیر و مجرای برای حرکت های غیرقانونی به حساب می آید، لذا: قاچاق کالاهای غیرقانونی، حمل مواد مخدر، فعالیت های ضد زیست محیطی مثل قطع جنگل ها و درختان کم کاری و خلاف کاری در پروژه های عمرانی مثل سد سازی، مقاوم سازی ساختمان ها و در برابر حوادث طبیعی و جاده ها و کارخانه ها و... برآیند پدیده ی شوم رشوه خواری و فساد اداری می باشد.

۳ ایجاد شرایط نامطلوب اقتصادی :

رشوه خواری و فساد اداری اگر جلوگیری نشود، در اندک زمان، تسری پیدا کرده و همه جا گیر خواهد شد در نتیجه از سرمایه گذاری های بلند مدت داخلی و خارجی، جلوگیری خواهد کرد. استعدادها را در مسیر نادرست، هدایت کرده و رویکردهای فناوری را به بیراهه خواهد کشاند افراد به جای ایجاد مراکز آموزشی و درمانی و... در روستاها، به سمت پروژه های پرسود کشانده خواهند شد و با درگیر شدن شرکت ها در فعالیت های غیرقانونی، درآمد دولت کاهش پیدا کرده و دولت نیز با افزایش مالیات، فشار بر اقشار آسیب پذیر جامعه را بیشتر خواهد کرد.

۴- نارضایتی مردم و زیر سوال رفتن حکومت و قانون:

شیوع رشوه و فساد اداری، محبوبیت و مشروعیت حکومت و قانون را از بین می برد. هرگاه جامعه و مردم متوجه شوند که بایرداخت رشوه، حقوق شهروندان پایمال شده و خلاف کاری ها و قانون شکنی هادر حوزه های مختلف جریان و تسری پیدا کرده است، اعتماد و اطمینان شان را نسبت به قوانین از دست خواهند داد، در چنین شرایط بحرانی، افراد جامعه به منظور پیشبرد کارها و اهداف خویش، ناخواسته وادار به نادیده گرفتن قانون می شوند و دربرخی موارد حاد تر، به دلیل سلب اعتماد به مسئولان و متولیان اجرای قانون، به عنوان اعتراض، عمداً نظم و قانون را زیر پا گذاشته و حتی ممکن است به عناصر فراطبی و ضدنظم و قانون و مخمل آرامش و امنیت تبدیل شوند.

راه حل چیست؟

شیوع رشوه و فساد اداری، درحقیقت بیان گرنارسایی های اخلاقی، اقتصادی، سیاسی و سازمانی است. پرداختن به آن، نیازمند حل این نارسایی ها خواهد بود، این نکته را نیز نباید فراموش کنیم که پیش گیری از فساد و رشوه خواری، هزینه ای به مراتب کمتر از مبارزه با آن را دارد، لذا برای رفع معضل فساد اداری و پدیده ی رشوه خواری، توجه به امور ذیل، مشکل گشا خواهد بود:

۱- تقویت بنیه های اخلاقی و اعتقادی:

بخش اعظمی از مشکلات، ناهنجاری ها و آسیب های اجتماعی، زایده و معلول تربیت غلط و آموزش ناسالم است، هرگاه انسان از نظر اخلاقی و اعتقادی، تربیت سالم داشته و به این مرحله ای از باورمندی نایل شود که اعمال کوچک و بزرگ و خوب و بد او، در دادگاه عدل الهی دقیقاً محاسبه شده و کیفر و پاداش متناسب با آن، بلکه شدیدتر و قویتر، به دنبال خواهد داشت دست و پای خود را جمع خواهد کرد و هر قدر این باور و اعتقاد، نسبت به احکام الهی و اسلامی و اخلاق انسانی، بیشتر شود، ضریب اعتماد و اطمینان و درست کاری در بین آحاد جامعه، سیر صعودی پیدا خواهد کرد. کارشناسان علوم اجتماعی معتقدند که: نهادینه کردن وجدان اخلاقی مذهب و مبنایی ارزشها در افراد جامعه، اساسی ترین راهکار مقابله با پدیده رشوه خواری به حساب می آید و به عنوان کارآمدترین ابزار کنترل و بهترین راه برای جلوگیری از شیوع این بیماری اجتماعی خواهد بود. در این میان، ایجاد اعتقاد به عزت اجتماعی همراه با احیای عزت نفس در کنار اهرم خود کنترلی وجدان، تشویق و ترغیب افراد سالم و درست کار، وظیفه و رسالت رسانه های گروهی است که با معرفی الگوهای رفتاری جامعه و احیای باورهای دینی و مذهبی از بروز، شیوع و گسترش فساد، جلوگیری کنند. باید توجه داشت که اگر پدیده فساد اداری و رشوه خواری از طریق ارزش های دینی، اعتقادی و وجدان اخلاقی، مهار و کنترل نشود، هیچ سازکار قهرآمیز دیگری، در دراز مدت، موثر واقع نخواهد شد.

۲- کاهش فاصله های طبقاتی:

بخش از مشکلات و نارسایی های اجتماعی، مثل شیوع رشوه خواری، معلول فاصله های طبقاتی است که در رده های مختلف اجتماع به چشم می خورد. هرگاه افراد جامعه متوجه شوند که عده ای با استفاده از پارتی بازی و رشوه دهی، مناصب دولتی را تصاحب کرده و در عرصه های اقتصادی و بدست آوری ثروت های بادآورده، یک شبه راه صد ساله را طی کرده اند و به زندگی شان سروسامان بخشیده اند، طمع آنان نیز گل کرده و سمت و سوی خلاف کاری و قانون ستیزی کشیده خواهند شد. ولی در صورتی که عدالت اجتماعی در جامعه پیاده شده از تبعیض، پارتی بازی و رفیق بازی جلوگیری شود و فاصله های طبقاتی در سایه ی توزیع عادلانه ی امکانات ملی و فراهم نمودن رفاه و آسایش نسبی همگانی، از میان برده شود قطعاً خیلی از مشکلات و نارسایی ها، حل و فصل خواهد شد و آحاد جامعه نیز دید شان نسبت به قوانین و رعایت آن، عوض شده و آن را با شوق و علاقه رعایت خواهند کرد و با افراد متخلف مبارزه خواهند نمود.

۳- ایجاد مراکز هدایت و ارشاد ارباب رجوع :

خلفی از افراد جامعه هنگام مراجعه به ادارات دولتی، برای رفع مشکلات و دعاوی حقوقی و غیر حقوقی شان، آشنایی کافی از قوانین و حقوق شهروندی خویش ندارند. لذا در اولین برخورد با موانع صوری، دست و پای خود را گم می کنند و دنبال افراد حرفه ای و دلال رفته و با پرداخت رشوه، تلاش می کنند هرچه سریع تر مشکل را حل و فصل نماید. ایجاد یک نهاد در هر سازمانی برای کمک فکری و ارشاد قانونی افرادی که به حقوق شان آشنایی ندارند، یکی دیگر از راه های پیشگیر از بروز معضل رشوه خواری به حساب می آید.

۴- نظارت و برخورد قاطع با متخلفین:

نظارت دقیق و حساب شده بر ادارات، مدیران، کارمندان، زیرمجموعه ها و برخورد قاطع با افراد متخلف و قانون ستیز، آخرین وسیله و ابزار برای جلوگیری از فساد اداری به حساب می آید. لذا مدیریت کلان جامعه باید با کنترل و نظارت، افراد سود جو و متخلف را شناسایی نموده و از نظام اخراج کنند. هنگامی که به حضرت علی(ع) خبر می رسد که - این هرمة - از جانب - دفاعه بن شداد - مأمور نظارت بر بازار اهواز بوده است، خیانت نموده و از بازاریان رشوه باج گرفته است، حضرت علی(ع) به - دفاعه - نامه می نوسد و به او دستور می دهد - این هرمة - را از کار برکنار و به اطلاع مردم برسان و او را زندانی کن و اعلام نما هر کس، شکایت دارد بیاید و ضمناً برکناری او را به تمام کارگزاران اعلام کن، سعی نما در برابری که از تو خواسته ام دچار غفلت و سستی نشوی که دچار هلاکت شده و به بدترین شکل تورا عزل می کنم. در هر جمعه او را از زندان بیرون بیاور، اولاً سی و پنج تازیانه به او بزن. ثانیاً اعلام کن هر کس نسبت به او شکایتی دارد یا شاهد بیاید و بعد از اثبات حق شاکی از اموال - این هرمة - حق او را بده و مجدداً با خواری و ذلت او را به زندان برده و پای او را درغل و زنجیر کن و فقط هنگام نماز او را آزاد بگذار. اگر سیره عملی حضرت علی(ع) وائمه در زندگی فردی و اجتماعی مراعات شود و با چند مورد از متخلفین آن گونه که حضرت علی(ع) می فرماید: برخورد قاطع و جدی صورت گیرد قطعاً افراد سود جو و متخلف، متوجه شده و سر در خط و قانون خواهند گذاشت

آشنایی با چند اصطلاح

تخلف اداری :

عبارت است از ارتکاب اعمال و رفتار نادرست توسط مستخدم و عدم رعایت نظم و انضباط اداری که منحصر به موارد مذکور در قانون رسیدگی به تخلفات اداری می باشد و به دو دسته قصور و تقصیر تقسیم می شود:

قصور : عبارت است از کوتاهی غیر عمدی در انجام وظایف اداری محوله

تقصیر : عبارت است از نقض عمدی قوانین و مقررات مربوطه

وظایف اداری :

اموری است که مستخدم ملزم به انجام یا رعایت آنها به موجب قوانین و مقررات و دستورات و الزامات شغلی یا شرح وظایف می باشد .

منهم :

کارمندی است که ارتکاب يك یا چند تخلف اداری از جانب اشخاص حقیقی یا حقوقی به او نسبت داده شده و پرونده وی در هیات رسیدگی به تخلفات اداری مطرح و در جریان بررسی و رسیدگی باشد .

متخلف :

کارمندی است که پرونده وی به لحاظ ارتکاب يك يا چند تخلف در هیأت رسیدگی به تخلفات قرار گرفته و تخلف یا تخلفات او توسط هیأت رسیدگی کننده احراز می گردد .

شاکبی:

شخص حقیقی یا حقوقی است که ارتکاب تخلف یا تخلفاتی را به کارمند نسبت داده و موضوع راکتیباً به هیأت یا دستگاه متبوع کارمند اعلام نموده باشد .

دلیل:

عبارت از امری است که متهم یا اعلام کننده اتهام برای دفاع از خود یا اثبات تخلف به طور کتبی به آن استناد می نماید .

شاهد:

شخص حقیقی است که اظهارات یا گواهی وی برای اثبات یا رد اتهام یا کمک در رد یا اثبات آن ضرورت داشته باشد .

دفاعیه:

عبارت است از دلایل و مدارکی که کارمند یا نماینده او در مقام دفاع از خود یا رد اتهام یا اتهامات انتسابی کتباً به هیأت رسیدگی کننده ارائه می نماید .

آمادگی به خدمت:

کارمندانی که پرونده آنان به هیأت های رسیدگی ارجاع شده یا می شود را می توان به مدت سه ماه آماده به خدمات نمود .

قانون مجازات اسلامی

فصل دهم - تقصیرات مقامات و مأمورین دولتی

ماده ۵۷۰

هر یک از مقامات و مأمورین دولتی که بر خلاف قانون، آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی محروم نماید علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت سه تا پنج سال از مشاغل دولتی به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.

ماده ۵۷۱

هر گاه اقداماتی که بر خلاف قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می باشد بر حسب امضای ساختگی وزیر یا مأمورین دولتی به عمل آمده باشد، مرتکب و کسانی که عالماً آن را به کار برده باشند به حبس از سه تا ده سال محکوم خواهند شد.

ماده ۵۷۲

هر گاه شخصی بر خلاف قانون حبس شده باشد و در خصوص حبس غیرقانونی خود شکایت به ضابطین دادگستری یا مأمورین انتظامی نموده و آنان شکایت او را استماع نکرده باشند و ثابت ننمایند که تظلم او را به مقامات ذیصلاح اعلام و اقدامات لازم را معمول داشته اند به انفصال دائم از همان سمت و محرومیت از مشاغل دولتی به مدت سه تا پنج سال محکوم خواهند شد.

ماده ۵۷۳

اگر مسئولین و مأمورین بازداشتگاه‌ها و ندامتگاه‌ها بدون اخذ برگ بازداشت صادره از طرف مراجع و مقامات صلاحیت‌دار، شخصی را به نام زندانی بپذیرند به دو ماه تا دو سال حبس محکوم خواهند شد.

ماده ۵۷۴

اگر مسئولین و مأمورین بازداشتگاه‌ها و ندامتگاه‌ها ارائه دادن یا تسلیم کردن زندانی به مقامات صالح قضایی یا از ارائه دادن دفاتر خود به اشخاص مزبور امتناع کنند یا از رسانیدن تظلمات محبوسین به مقامات صالح ممانعت یا خودداری نمایند مشمول ماده‌ی قبل خواهند بود مگر این که ثابت نمایند که به موجب امر کتبی رسمی از طرف رئیس مستقیم خود، مأمور به آن بوده‌اند که در این صورت مجازات مزبور درباره‌ی آمر مقرر خواهد شد.

ماده ۵۷۵

هر گاه مقامات قضایی یا دیگر مأمورین ذیصلاح بر خلاف قانون توقیف یا دستور بازداشت یا تعقیب جزایی یا قرار مجرمیت کسی را صادر نمایند به انفصال دائم از سمت قضایی و محرومیت از مشاغل دولتی به مدت پنج سال محکوم خواهند شد.

ماده ۵۷۶

چنان چه هر یک از صاحب‌منصبان و مستخدمین و مأمورین دولتی و شهرداری‌ها در هر رتبه و مقامی که باشد از مقام خود سوءاستفاده نموده و از اجرای اوامر کتبی دولتی یا اجرای قوانین مملکتی و یا اجرای احکام یا اوامر مقامات قضایی یا هر گونه امری که از طرف مقامات قانونی صادر شده باشد جلوگیری نماید به انفصال از خدمات دولتی از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد.

ماده ۵۷۷

چنان چه مستخدمین و مأمورین دولتی اعم از استانداران و فرمانداران و بخشداران یا معاونان آنها و مأمورین انتظامی در غیر موارد حکمیت در اموری که در صلاحیت مراجع قضایی است دخالت نمایند و با وجود اعتراض متداعیین یا یکی از آنها یا اعتراض مقامات صلاحیت‌دار قضایی رفع مداخله نمایند به حبس از دو ماه تا سه سال محکوم خواهند شد.

ماده ۵۷۸

هر یک از مستخدمین و مأمورین قضایی یا غیرقضایی دولتی برای این که متهمی را مجبور به اقرار کند او را اذیت و آزار بدنی نماید علاوه بر قصاص یا پرداخت دیه حسب مورد به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می‌گردد و چنان چه کسی در این خصوص دستور داده باشد فقط دستوردهنده به مجازات حبس مذکور محکوم خواهد شد و اگر متهم به واسطه‌ی اذیت و آزار فوت کند، مباشر مجازات قاتل و آمر مجازات آمر قتل را خواهد داشت.

ماده ۵۷۹

چنان چه هر یک از مأمورین دولتی محکومی را سخت‌تر از مجازاتی که مورد حکم است مجازات کند یا مجازاتی کند که مورد حکم نبوده است به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد و چنان چه این عمل به دستور فرد دیگری انجام شود فقط آمر به مجازات مذکور محکوم می‌شود و چنان چه این عمل موجب قصاص یا دیه باشد مباشر به مجازات آن نیز محکوم

می‌گردد و اگر اقدام مزبور متضمن جرم دیگری نیز باشد مجازات همان جرم حسب مورد نسبت به مباشر یا آمر اجرا خواهد شد.

ماده ۵۸۰

هر یک از مستخدمین و مأمورین قضایی یا غیرقضایی یا کسی که خدمت دولتی به او ارجاع شده باشد بدون ترتیب قانونی به منزل کسی بدون اجازه و رضای صاحب منزل داخل شود به حبس از یک ماه تا یک سال محکوم خواهد شد مگر اینکه ثابت نماید به امر یکی از رؤسای خود که صلاحیت حکم را داشته است مکره به اطاعت آمر او بوده، اقدام کرده است که در این صورت مجازات مزبور در حق آمر اجرا خواهد شد و اگر مرتکب یا سبب وقوع جرم دیگری نیز باشد مجازات آن را نیز خواهد دید و چنان چه این عمل در شب واقع شود مرتکب یا آمر به حداکثر مجازات مقرر محکوم خواهد شد.

ماده ۵۸۱

هر یک از صاحب‌منصبان و مستخدمین و مأمورین دولتی که با سوءاستفاده از شغل خود به جبر و قهر مال یا حق کسی را بخرد یا بدون حق بر آن مسلط شود یا مالک را اکراه به فروش به دیگری کند علاوه بر رد عین مال یا معادل نقدی قیمت مال یا حق، به مجازات حبس از یک سال تا سه سال یا جزای نقدی از شش تا هجده میلیون ریال محکوم می‌گردد.

ماده ۵۸۲

هر یک از مستخدمین و مأمورین دولتی، مراسلات یا مخابرات یا مکالمات تلفنی اشخاص را در غیر مواردی که قانون اجازه داده حسب مورد مفتوح یا توقیف یا معدوم یا بازرسی یا ضبط یا استراق سمع نماید یا بدون اجازه صاحبان آنها مطالب آنها را افشا نماید به حبس از یک سال تا سه سال و یا جزای نقدی از شش تا هجده میلیون ریال محکوم خواهد شد.

ماده ۵۸۳

هر کس از مقامات یا مأمورین دولتی یا نیروهای مسلح یا غیر آنها بدون حکمی از مقامات صلاحیت‌دار در غیر مواردی که در قانون جلب یا توقیف اشخاص را تجویز نموده، شخصی را توقیف یا حبس کند یا عنفاً در محلی مخفی نماید به یک تا سه سال حبس یا جزای نقدی از شش تا هجده میلیون ریال محکوم خواهد شد.

ماده ۵۸۴

کسی که با علم و اطلاع برای ارتکاب جرم مذکور در ماده‌ی فوق مکانی تهیه کرده و بدین طریق معاونت با مرتکب نموده باشد به مجازات حبس از سه ماه تا یک سال یا جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا شش میلیون ریال محکوم خواهد شد.

ماده ۵۸۵

اگر مرتکب یا معاون قبل از آن که تعقیب شود شخص توقیف شده را رها کند یا اقدام لازم جهت رها شدن وی به عمل آورد در صورتی که شخص مزبور را زیاده از پنج روز توقیف نکرده باشد مجازات او حبس از دو تا شش ماه خواهد بود.

ماده ۵۸۶

هر گاه مرتکب برای ارتکاب جرایم مذکور در ماده (۵۸۳) اسم یا عنوان مجعول یا اسم و علامت مأمورین دولت یا لباس منتسب به آنان را به تزویر اختیار کرده یا حکم جعلی ابراز نموده باشد علاوه بر مجازات ماده‌ی مزبور به مجازات جعل یا تزویر محکوم خواهد شد.

ماده ۵۸۷

چنان چه مرتکب جرایم مواد قبل توقیف شده یا محبوس شده یا مخفی شده را تهدید به قتل نموده یا شکنجه و آزار بدنی وارد آورده باشد علاوه بر قصاص یا پرداخت دیه حسب مورد به یک تا پنج سال حبس و محرومیت از خدمات دولتی محکوم خواهد شد.

فصل سیزدهم - تعذبات مأمورین دولتی نسبت به دولت

ماده ۵۹۸

هر یک از کارمندان و کارکنان ادارات و سازمان‌ها یا شوراهای شهرداری‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و یا وابسته به دولت و یا نهادهای انقلابی و بنیادها و مؤسساتی که زیر نظر ولی فقیه اداره می‌شوند و دیوان محاسبات و مؤسساتی که به کمک مستمر دولت اداره می‌شوند و یا دارندگان پایه‌ی قضایی و به طور کلی اعضا و کارکنان قوای سه گانه و همچنین نیروهای مسلح و مأمورین به خدمات عمومی اعم از رسمی و غیررسمی وجوه نقدی یا مطالبات یا حوالجات یا سهام و سایر اسناد و اوراق بهادار یا سایر اموال متعلق به هر یک از سازمان‌ها و مؤسسات فوق‌الذکر یا اشخاصی که بر حسب وظیفه به آنها سپرده شده است را مورد استفاده غیرمجاز قرار دهد بدون آن که قصد تملک آنها را به نفع خود یا دیگری داشته باشد، متصرف غیرقانونی محسوب و علاوه بر جبران خسارات وارده و پرداخت اجرت‌المثل به شلاق تا (۷۴) ضربه محکوم می‌شود و در صورتی که منتفع شده باشد علاوه بر مجازات مذکور به جزای نقدی معادل مبلغ انتفاعی محکوم خواهد شد و همچنین است در صورتی که به علت اهمال یا تفریط موجب تضییع اموال و وجوه دولتی گردد و یا آن را به مصارفی برساند که در قانون اعتباری برای آن منظور نشده یا در غیر مورد معین یا زاید بر اعتبار مصرف نموده باشد.

ماده ۵۹۹

هر شخصی عهده‌دار انجام معامله یا ساختن چیزی یا نظارت در ساختن یا امر به ساختن آن برای هر یک از ادارات و سازمان‌ها و مؤسسات مذکور در ماده (۵۹۸) بوده است به واسطه تدلیس در معامله از جهت تعیین مقدار یا صفت یا قیمت بیش از حد متعارف مورد معامله یا تقلب در ساختن آن چیز نفعی برای خود یا دیگری تحصیل کند علاوه بر جبران خسارات وارده به حبس از شش ماه تا پنج سال محکوم خواهد شد.

ماده ۶۰۰

هر یک از مسئولین دولتی و مستخدمین و مأمورینی که مأمور تشخیص یا تعیین یا محاسبه یا وصول وجه یا مالی به نفع دولت است بر خلاف قانون یا زیاده بر مقررات قانونی اقدام و وجه یا مالی اخذ یا امر به اخذ آن نماید به حبس از دو ماه تا یک سال محکوم خواهد شد. مجازات مذکور در این ماده در مورد مسئولین و مأمورین شهرداری نیز مجری است و در هر حال آن چه برخلاف قانون و مقررات اخذ نموده است به ذی‌حق مسترد می‌گردد.

ماده ۶۰۱

هر یک از مستخدمین و مأمورین دولتی که برحسب مأموریت خود اشخاص را اجیر یا استخدام کرده یا مباشرت حمل و نقل اشیایی را نموده باشد و تمام یا قسمتی از اجرت اشخاص یا اجرت حمل و نقل را که توسط آنان به عمل آمده است به حساب دولت آورده ولی نپرداخته باشد به انفصال موقت از سه ماه تا سه سال محکوم می‌شود و همین مجازات مقرر است درباره‌ی مستخدمینی که اشخاص را به بیگاری گرفته و اجرت آنها را خود برداشته و به حساب دولت منظور نموده است و در هر صورت باید اجرت مأخوذه را به ذی‌حق مسترد نماید.

ماده ۶۰۲

هر یک از مستخدمین و مأمورین دولتی که برحسب مأموریت خود حق داشته است اشخاصی را استخدام و اجیر کند و بیش از عده‌ای که اجیر یا استخدام کرده است به حساب دولت منظور نماید یا خدمه شخصی خود را جزء خدمه دولت محسوب نماید و حقوق آنها را به حساب دولت منظور بدارد به شلاق تا (۷۴) ضربه و تأدیه مبلغی که به ترتیب فوق به حساب دولت منظور داشته است محکوم خواهد گردید.

ماده ۶۰۳

هر یک از کارمندان و کارکنان و اشخاص عهده‌دار وظیفه مدیریت و سرپرستی در وزارتخانه‌ها و ادارات و سازمان‌های مذکور در ماده (۵۹۸) که بالمباشره یا به واسطه در معاملات و مزایده‌ها و مناقصه‌ها و تشخیصات و امتیازات مربوط به دستگاه متبوع، تحت هر عنوانی اعم از کمیسیون یا حق الزحمه و حق العمل یا پاداش برای خود یا دیگری نفعی در داخل یا خارج کشور از طریق توافق یا تفاهم یا ترتیبات خاص یا سایر اشخاص یا نمایندگان و شعب آنها منظور دارد یا بدون مأموریت از طرف دستگاه متبوعه بر عهده آن چیزی بخرد یا بسازد یا در موقع پرداخت وجوهی که حسب وظیفه به عهده او بوده یا تفریغ حسابی که باید به عمل آورد برای خود یا دیگری نفعی منظور دارد به تأدیه دو برابر وجوه و منافع حاصله از این طریق محکوم می‌شود و در صورتی که عمل وی موجب تغییر در مقدار یا کیفیت مورد معامله یا افزایش قیمت تمام‌شده‌ی آن گردد به حبس از شش ماه تا پنج سال و یا مجازات نقدی از سه تا سی میلیون ریال نیز محکوم خواهد شد.

ماده ۶۰۴

هر یک از مستخدمین دولتی اعم از قضایی و اداری، نوشته‌ها و اوراق و اسنادی که حسب وظیفه به آنان سپرده شده یا برای انجام وظایفشان به آنها داده شده است را معدوم یا مخفی نماید یا به کسی بدهد که به لحاظ قانون از دادن به آن کس ممنوع می‌باشد علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد.

ماده ۶۰۵

هر یک از مأمورین ادارات و مؤسسات مذکور در ماده (۵۹۸) که از روی غرض و بر خلاف حق درباره یکی از طرفین اظهار نظر یا اقدامی کرده باشد به حبس تا سه ماه یا مجازات نقدی تا مبلغ یک میلیون و پانصد هزار ریال و جبران خسارت وارده محکوم خواهد شد.

ماده ۶۰۶

هر یک از رؤسا یا مدیران یا مسئولین سازمان‌ها و مؤسسات مذکور در ماده (۵۹۸) که از وقوع جرم ارتشا یا اختلاس یا تصرف غیرقانونی یا کلاهبرداری یا جرایم موضوع مواد (۵۹۹) و (۶۰۳) در سازمان یا مؤسسات تحت اداره یا نظارت خود مطلع شده و مراتب را حسب مورد به مراجع صلاحیت دار قضایی یا اداری اعلام ننماید علاوه بر حبس از شش ماه تا دو سال به انفصال موقت از شش ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.

قانون رسیدگی به تخلفات اداری

• تشکیلات و حدود وظایف

ماده ۱. به منظور رسیدگی به تخلفات اداری در هر يك از دستگاه های مشمول این قانون هیات های تحت عنوان هیات رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان تشکیل خواهد شد. هیات های مزبور شامل هیات های بدوی و تجدید نظر می باشند.

تبصره ۱. هیات تجدید نظر در مرکز وزارتخانه یا سازمان مستقل دولتی و نیز تعدادی از دستگاه های مشمول این قانون که فهرست آنها به تصویب هیات وزیران خواهد رسید، تشکیل می شود و در صورت لزوم دارای شعبه هایی خواهد بود.

تبصره ۲. در صورت تشخیص هیات عالی نظارت يك هیات تجدید نظر در مرکز برخی از استان ها که ضرورت ایجاب نماید تشکیل می گردد.

ماده ۳. هريك از هیات های بدوی و تجدید نظر دارای سه عضو اصلی و يك یا دو عضو علی البدل می باشد که با حکم وزیر یا بالاترین مقام سازمان مستقل دولتی مربوط و سایر دستگاه های موضوع تبصره ماده يك برای مدت سه سال منصوب می شوند و انتصاب مجدد آنان بلا مانع است.

تبصره ۱. در غیاب اعضای اصلی اعضای علی البدل به جای آنان انجام وظیفه خواهند نمود.
تبصره ۲. هیچ يك از اعضای اصلی و علی البدل هیات های بدوی يك دستگاه نمی توانند همزمان عضو هیات تجدید نظر همان دستگاه باشند، هم چنین اعضای مذکور نمی توانند در تجدید نظر پرونده هایی که در هنگام رسیدگی بدوی به آن رای داده اند شرکت نمایند.

ماده ۳. برکناری اعضای هیات های بدوی و تجدید نظر با پیشنهاد وزیر یا بالاترین مقام سازمان مستقل دولتی و سایر دستگاه های موضوع تبصره ۱ ماده ۱ و تصویب هیات عالی نظارت صورت می گیرد.

ماده ۴. صلاحیت رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان با هیات بدوی است و آراء صادره در صورتی که قابل تجدید نظر نباشند از تاریخ ابلاغ، قطعی و لازم الاجرا است. در مورد آرایي که قابل تجدید نظر باشد هر گاه کارمند ظرف ۳۰ روز از تاریخ ابلاغ رای در خواست تجدید نظر نماید، هیات تجدید نظر مکلف به رسیدگی است. آرای هیات تجدید نظر از تاریخ ابلاغ قطعی و لازم الاجرا است.

تبصره ۱. هرگاه رای هیات بدوی قابل تجدید نظر باشد و متهم ظرف مهلت مقرر درخواست تجدید نظر ننماید رای صادر شده قطعی می یابد و از تاریخ انقضای مهلت یاد شده لازم الاجرا است.

تبصره ۲. ابلاغ رای طبق قانون آیین دادرسی مدنی به عمل می آید و در هر صورت فاصله بین صدور رای و ابلاغ آن از ۳۰ روز نباید تجاوز کند.

ماده ۵. به منظور تسریع در جمع آوری دلایل و تهیه و تکمیل اطلاعات و مدارك هیات ها می توانند از يك یا چند گروه تحقیق استفاده نمایند. شرح و ظایف، تعداد اعضا و شرایط عضویت در گروه های تحقیق، در آیین نامه اجرایی این قانون مشخص می شود.

تبصره. گروه های تحقیق هر يك از هیات های بدوی و تجدید نظر مستقل از یکدیگر بوده و يك گروه تحقیق نمی تواند در تحقیقات مربوط به مراحل بدوی و تجدید نظر يك پرونده اقدام به تحقیق نماید.

ماده ۶. اعضای هیات های بدوی و تجدید نظر علاوه بر تدوین به دین مبین اسلام و عمل به احکام آن و اعتقاد و تعهد به نظام جمهوری اسلامی ایران واصل ولایت فقیه، باید دارای شرایط زیر باشند :

۱. تاهل

۲. حداقل ۳۰ سال سن

۳. حداقل مدرک تحصیلی فوق دیپلم یا معادل آن

نصرت ۱. در موارد استثنایی داشتن مدرک دیپلم حسب مورد با تایید هیات عالی نظارت بلامانع است .

نصرت ۲. در هر هیات باید يك نفر آشنا حقوقي عضویت داشته باشد و حداقل دو نفر از اعضای اصلی هیات های بدوی و تجدید نظر باید از بین کارکنان همان سازمان یا وزارتخانه که حداقل پنج سال سابقه کار دولتی دارند، به این سمت منصوب شوند .

ماده ۷. اعضای هیات های بدوی یا تجدید نظر در موارد زیر در رسیدگی و صدور رای شرکت نخواهند کرد :

الف) عضو هیات با متهم قرابت نسبی یا سببی تا درجه دوم از طبقه سوم داشته باشد .

ب) عضو هیات با متهم دعوای حقوقي یا اجزایی داشته یا در دعوای طرح شده ذی نفع باشد.

• تخلفات اداری

ماده ۸ :

تخلفات اداری به قرار زیر است :

۱- اعمال و رفتار خلاف شئون شغلی یا اداری

۲- نقض قوانین و مقررات مربوط

۳- ایجاد نارضایتی در ارباب رجوع یا انجام ندادن یا تاخیر در انجام امور قانونی آنها بدون دلیل

۴- ایراد تهمت و افترا، هتک حیثیت

۵- اخاذی

۶- اختلاس

۷- تبعیض یا اعمال غرض یا روابط غیر اداری در اجرای قوانین و مقررات نسبت به اشخاص

۸- ترك خدمت در خلال ساعات موظف اداری

۹- تکرار در تاخیر ورود به محل خدمت یا تکرار خروج از آن بدون کسب مجوز

۱۰- تسامح در حفظ اموال و اسناد و وجوه دولتی ، ایراد خسارات به اموال دولتی

۱۱- افشای اسرار و اسناد محرمانه اداری

۱۲- ارتباط و تماس غیر مجاز با اتباع بیگانه

- ۱۳- سرپیچی از اجرای دستورهای مقامهای بالاتر در حدود وظایف اداری
- ۱۴- کم کاری یا سهل انگاری در انجام وظایف محول شده
- ۱۵- سهل انگاری روسا و مدیران در ندادن گزارش تخلفات کارمندان تحت امر
- ۱۶- ارائه گواهی یا گزارش خلاف واقع در امور اداری
- ۱۷- گرفتن وجوهی غیر از آن چه در قوانین و مقررات تعیین شده یا اخذ هر گونه مالی که در عرف رشوه خواری تلقی می شود
- ۱۸- تسلیم مدارک به اشخاصی که حق دریافت آن را ندارند یا خودداری از تسلیم مدارک به اشخاص که حق دریافت آن را دارند
- ۱۹- تعطیل خدمت در اوقات مقرر اداری
- ۲۰- رعایت نکردن حجاب اسلامی
- ۲۱- رعایت نکردن شئون و شعایر اسلامی
- ۲۲- اختفا، نگهداری، حمل، توزیع و خرید و فروش مواد مخدر
- ۲۳- استعمال یا اعتیاد به مواد مخدر
- ۲۴- داشتن شغل دولتی دیگر به استثنای سمتهای آموزشی و تحقیقاتی
- ۲۵- هر نوع استفاده غیر مجاز از شئون یا موقعیت شغلی و امکانات و اموال دولتی
- ۲۶- جعل یا مخدوش نمودن و دست بردن در اسناد و اوراق رسمی یا دولتی
- ۲۷- دست بردن در سوالات، اوراق، مدارک و دفاتر امتحانی، افشای سوالات امتحانی یا تعویض آن ها
- ۲۸- دادن نمره یا امتیاز، بر خلاف ضوابط
- ۲۹- غیبت غیر موجه به صورت متناوب یا متوالی
- ۳۰- سوء استفاده از مقام و موقعیت اداری
- ۳۱- توقیف، اختفا، بازرسی یا باز کردن پاکتها و محمولات پستی یا معدوم کردن آنها و استراق سمع بدون مجوز قانونی
- ۳۲- کارشکنی و شایعه پراکنی، وادار ساختن یا تحریک دیگران به کارشکنی یا کم کاری و ایراد خسارت به اموال دولتی و اعمال فشارهای فردی برای تحصیل مقاصد غیر قانونی

۳۳- شرکت در تحصن ، اعتصاب و تظاهرات غیر قانونی ، یا تحریک به برپایی تحصن ، اعتصاب و تظاهرات غیر قانونی و اعمال فشارهای گروهی برای تحصیل مقاصد غیر قانونی

۳۴- عضویت در یکی از فرقه های ضاله که از نظر اسلام مردود شناخته شده اند

۳۵- همکاری با ساواک منجمله به عنوان مأمور یا منبع خبری و داشتن فعالیت یا دادن گزارش ضد مردمی

۳۶- عضویت در سازمانهایی که مرامنامه یا اساسنامه آنها مبتنی بر نفی ادیان الهی است یا طرفداری و فعالیت به نفع آنها

۳۷- عضویت در گروه های محارب یا طرفداری و فعالیت به نفع آنها

۳۸- عضویت در تشکیلات فراماسونری

• تنبیهات اداری

ماده ۹ :

تنبیهات اداری به ترتیب عبارتند از:

الف) اخطار کتبی بدون درج در پرونده استخدامی.

ب) توبیخ کتبی با درج در پرونده استخدامی.

ج) کسر حقوق و فوق العاده شغل یا عنوان مشابه حداکثر تا یک سوم از یک ماه تا یک سال .

د) انفصال موقت از یک ماه تا یک سال .

ه) تغییر محل جغرافیایی خدمت به مدت یک تا پنج سال .

و) تنزل مقام و یا محرومیت از انتصاب به پست های حساس و مدیریتی در دستگاه های دولتی و دستگاه های

مشمول این قانون .

ز) تنزل یک یا دو گروه و یا تعویق در اعطای یک یا دو گروه به مدت یک یا دو سال .

ح) بازخرید خدمت در صورت داشتن کمتر از ۲۰ سال سابقه خدمت دولتی در مورد مستخدمین زن و کمتر از ۲۵ سال

سابقه خدمت دولتی در مورد مستخدمین مرد با پرداخت ۳۰ تا ۴۵ روز حقوق مبنای مربوط در قبال هر سال خدمت به

تشخیص هیأت صادر کننده رای.

ط) بازنشستگی در صورت داشتن بیش از بیست سال سابقه خدمت دولتی برای مستخدمین زن و بیش از ۲۵

سال سابقه خدمت دولتی برای مستخدمین مرد براساس سنوات خدمت دولتی با تقلیل یک یا دو گروه .

ی) اخراج از دستگاه متبوع.

ک) انفصال دایم از خدمات دولتی و دستگاه های مشمول این قانون .

نصره ۱. در احتساب معدل خالص حقوق، تفاوت تطبیق و فوق العاده شغل مستخدمان موضوع بند ط در سه سال

آخر خدمت در هنگام بازنشستگی، حقوق گروه جدید (پس از تنزل یک تا دو گروه) ملاک محاسبه قرار می گیرد .

نصره ۲. کسور بازنشستگی یا حق بیمه (سهم کارمند) کارمندی که در اجرای این قانون به انفصال دایم، اخراج یا

بازخریدی محکوم شده یا می شوند و نیز حقوق و مزایای مرخصی استحقاقی استفاده نشده، همچنین کسور بازنشستگی

یا حق بیمه کارمندی که در گذشته در اجرای مقررات قانونی از دستگاه دولتی متبوع خود اخراج گردیده اند، قابل پرداخت

است .

تبصره ۳. هیات های بدوی یا تجدید نظر، نماینده دولت در هر يك از دستگاه های مشمول این قانون هستند و رای آنان به تخلف اداری کارمند تنها در محدوده مجازات های اداری معتبر است و به معنی اثبات جرم هایی که موضوع قانون مجازات های اسلامی است، نیست.

تبصره ۴. هیات های پس از رسیدگی به اتهام یا اتهامات منتسب به کارمند، در صورت احراز تخلف یا تخلفات، در مورد هر پرونده صرفاً یکی از مجازات های موضوع این قانون را اعمال خواهند نمود.

ماده ۱۰. فقط مجازات های بندهای د، ه، ج، ط، ی، ک ماده ۹ این قانون قابل تجدید نظر در هیات های تجدید نظر هستند.

ماده ۱۱. برای کارمندانی که با حکم مراجع قضایی یا با رای هیات های رسیدگی به تخلفات اداری یا هیات های بازسازی و پاکسازی سابق محکوم به اخراج یا انفصال دائم از خدمات دولتی شده یا می شوند، در صورت داشتن بیش از ۱۵ سال سابقه خدمت و ۵۰ سال سن، به تشخیص هیات های تجدید نظر رسیدگی به تخلفات اداری مربوط، برای معیشت خانواده آنان مقرری ماهانه که مبلغ آن از حداقل حقوق کارمندان دولت تجاوز نکند برقرار می گردد. این مقرری از محل اعتبار وزارتخانه یا موسسه مربوط پرداخت می شود و در صورت رفع ضرورت به تشخیص هیات مزبور، قطع می شود. چگونگی اجرا و مدت آن طبق آیین نامه اجرایی این قانون است.

ماده ۱۲. رئیس مجلس شورای اسلامی، وزراء بالاترین مقام اجرایی سازمان های مستقل دولتی و سایر دستگاه های موضوع تبصره ۱ ماده ۱ این قانون و شهردار تهران می توانند مجازات های بند های الف، ب، ج، د ماده ۹ این قانون را راساً و بدون مراجعه به هیات های رسیدگی به تخلفات اداری در مورد کارمندان متخلف اعمال نمایند و اختیارات اعمال مجازات های بندهای الف، ب، ج را به معاونان خود و بندهای الف، ب را به استانداران، روسای دانشگاه ها و مدیران کل تفویض کنند. در صورت اعمال مجازات توسط مقامات و اشخاص مزبور هیات های تجدید نظر حق رسیدگی و صدور رای مجدد در مورد همان تخلف را ندارند مگر با تشخیص و موافقت کتبی خود آن مقامات و اشخاص.

ماده ۱۳. وزراء یا معاونان آنان در صورت تفویض وزیر، رئیس مجلس شورای اسلامی، بالاترین مقام سازمان های مستقل دولتی و سایر دستگاه های موضوع تبصره ۱ ماده ۱ این قانون شهردار تهران، استانداران و روسای دانشگاه ها و مراکز مستقل آموزش عالی و تحقیقاتی و معاونان آنان می توانند کارمندانی را که پرونده آنان به هیات های رسیدگی ارجاع شده یا می شود را حداکثر به مدت سه ماه آماده به خدمت نمایند.

تبصره ۱. در مورد موسساتی که آمادگی به خدمت در مقررات استخدامی آنها پیش بینی نشده است، براساس مفاد این قانون استخدام کشوری رفتار خواهد شد.

تبصره ۲. چنانچه کارمند پس از رسیدگی در هیات های برائت حاصل نماید فوق العاده شغل یا مزایای شغل یا عناوین مشابه دوران آمادگی به خدمت براساس آخرین حقوق و مزایای قبل از این دوران پرداخت می شود.

تبصره ۳. هیات های بدوی رسیدگی به تخلفات اداری مکلفند در مدت آمادگی به خدمت، به پرونده اتهامی کارمندان رسیدگی کنند و تصمیم لازم را اتخاذ نمایند، و در صورتی که در مدت مذکور پرونده جهت رسیدگی پژوهشی به هیات تجدید نظر ارجاع شود مدت آمادگی به خدمت برای سه ماه دیگر قابل تمدید خواهد بود و هیات تجدید نظر موظف است حداکثر تا پایان مدت مزبور به پرونده رسیدگی کرده رای لازم را صادر نماید در هر حال با صدور حکم قطعی هیات های رسیدگی حکم آمادگی به خدمت لغو می گردد.

ماده ۱۴. هر گاه رسیدگی به اتهام کارمند به تشخیص هیات های بدوی و تجدید نظر مستلزم استفاده از نظر کارشناسی باشد، مورد به کارشناسی ارجاع می شود.

ماده ۱۵. پرونده آن دسته از مستخدمان بازنشسته که قبل یا پس از بازنشستگی در هیات های پاکسازی یا بازسازی مطرح بوده ولی منجر به صدور رای نگردیده است یا آرای صادر شده قطعی نیافته یا آرای که در دیوان عدالت اداری نقص شده است، همچنین پرونده بازنشستگان متهم به موارد مندرج در بندهای ۳۶، ۳۵، ۳۴ و ۳۸ ماده ۸ در صورت وجود مدارک مثبت، برای رسیدگی و صدور رای در هیات های رسیدگی به تخلفات اداری مطرح و مجازات مصرح در این قانون حسب مورد اعمال خواهد شد.

تبصره. افراد موضوع بند ۳۴ ماده ۸ این قانون که براساس قانون پاکسازی بازنشسته شده اند در صورت باقی بودن در عضویت، پرونده آنان در هیات های رسیدگی به تخلفات اداری مطرح و براساس این قانون رای لازم صادر می شود.

ماده ۱۶. وزرا و نمایندگان مجلسین رژیم سابق، دبیران حزب رستاخیز در مراکز استان ها، مدیران کل حفاظت، روسای دواير حفاظت و رمز و محرمانه بعد از خرداد ۱۳۴۲ و اعضای تشکیلات فراماسونری که توسط هیات های پاکسازی یا بازسازی نیروی انسانی محکومیت قطعی نیافته اند یا پرونده آنان تا کنون مورد رسیدگی قرار نگرفته است از خدمت در دستگاه های دولتی و وابسته به دولت و شهرداری ها به صورت دائم منفصل می شوند و حقوق بازنشستگی آنان قطع می شود.

معاونان نخست وزیر، رئیس کل بانک مرکزی، مدیران عامل و روسای شرکت ها و سازمان های مستقل دولتی، مستشاران و روسای دیوان محاسبات بعد از خرداد ۱۳۴۲ در صورتی که در هیات های رسیدگی به تخلفات اداری ثابت شود که در تحکیم رژیم گذشته موثر بوده اند به انفصال دائم محکوم خواهند شد. سفرا و استانداران و معاونان وزرای رژیم سابق بعد از خرداد ۱۳۴۲ حسب مورد طبق این قانون محکوم به بازخرید یا بازنشستگی خواهند شد و در صورت ارتکاب یکی از جرایم مطرح در این قانون در صورتی که مجازات آن جرم بیش از بازنشستگی باشد، به آن مجازات طبق این قانون محکوم خواهند شد.

تبصره. در خصوص آن دسته از کارمندانی که به تحکیم رژیم گذشته متهم بوده و تاکنون رای قطعی در مورد آنان صادر نشده یا رای صادر شده در دیوان عدالت اداری نقض شده است، هیات ها می توانند پس از رسیدگی حسب مورد یکی از مجازات های مقرر در این قانون را در مورد آنان اعمال نمایند.

ماده ۱۷. رئیس مجلس شورای اسلامی، وزرا یا بالاترین مقام سازمان های مستقل دولتی و نهادهای انقلاب اسلامی و سازمان های موضوع تبصره ۱ ماده ۱ این قانون، شهردار تهران شهرداران مراکز استان ها، استانداران و روسای دانشگاه ها می توانند کارمندانی را که بیش از دو ماه متوالی یا چهار ماه متناوب در سال بدون عذر موجه درمحل خدمت خود حاضر نشده اند، از خدمت وزارتخانه یا دستگاه متبوع اخراج نمایند.

تبصره ۱. هرگاه کارمند یاد شده حداکثر تا سه ماه پس از ابلاغ حکم دستگاه متبوع خود مدعی شود که عذر او موجه بوده است، وزیر یا بالاترین مقام دستگاه متبوع کارمند موظف است پرونده وی را جهت تجدید نظر به هیات تجدید نظر مربوط ارجاع نماید.

هیات تجدید نظر مکلف به رسیدگی بوده و رای آن قطعی است و در صورت تایید حکم اخراج یا برائت از تاریخ اخراج، در غیر اینصورت از تاریخ ابلاغ، لازم الاجراست.

تبصره ۲. در مورد آن دسته از مستخدمان موضوع این ماده که به هر دلیل به کار بازگشت داده می شوند، مدت غیبت و عدم اشتغال آنان حسب مورد جزو مرخصی استحقاقی، استعلاجی یا بدون حقوق آنان منظور خواهد شد.

نصره ۳. در مواردی که حکم اخراج یا انفصال کارمند یا کارمندان توسط مقامات صلاحیت دار دستگاه های اجرایی قبل از قانون بازسازی نیروی انسانی صادر گردیده است، این احکام قطعی محسوب می شوند.

❖ چند نکته

- ۱- هیأت های بدوی یا تجدید نظر، نماینده دولت در هر يك از دستگاههای مشمول قانون رسیدگی تخلفات اداری هستند و رأی آنان به تخلف اداری کارمند تنها در محدوده مجازات های اداری معتبر است و به معنی اثبات جرم هایی که موضوع قانون مجازات های اسلامی است، نیست.
- ۲- چنانچه کارمند پس از رسیدگی در هیأت ها برائت حاصل نماید شغل فوق العاده یا مزایای شغل یا عناوین مشابه دوران آمادگی به خدمت بر اساس آخرین حقوق و مزایای قبل از این دوران پرداخت می شود.
- ۳- هرگاه تخلف کارمند عنوان یکی از جرایم مندرج در قوانین جزایی را نیز داشته باشد هیأت رسیدگی به تخلفات اداری مکلف است مطابق قانون به تخلف رسیدگی و رأی قانونی صادر نماید و مراتب را برای رسیدگی به اصل جرم به مرجع قضایی صالح ارسال دارد. هر گونه تصمیم مراجع قضایی مانع از اجرای مجازات های اداری نخواهد بود.

تفاوت تخلف اداری با جرم

تعریف قانون گذار از جرم در ماده ۲ قانون مجازات اسلامی به عنوان «هر فعل یا ترك فعلی که قانون برای آن مجازات تعیین کرده است» حاکی از اختلاف اساسی جرم با تخلف است. گرچه بعضا وجوه تشابهی میان این دو وجود دارد. به عنوان مثال، عمل واحد، منشا تخلف و جرم است مانند اختلاس که هم جرم و هم تخلف است. با اینکه برای هر دو مجازات هایی مقرر شده است یا در برخی روش های رسیدگی بین این دو، به ویژه در قوانین متاخر، شباهت هایی دیده می شود. با وجود این، تفاوت های زیادی بین حقوق جزا و مقررات انضباطی وجود دارد:

- ۱ - «رابطه منطقی بین جرایم و تخلفات اداری، عموم و خصوص من وجه است. مقایسه موارد احصا شده در ماده ۸۴. ر.ت.ا و عناوین جزایی مندرج در قانون مجازات اسلامی این رابطه را تأیید می کند، مثلاً اختلاس هم جرم است و هم تخلف اداری، غیبت غیرموجه، تخلف اداری است، ولی جرم نیست.
- ۲ - آنچه در حقوق جزا ضرورت مقابله با جرم را توجیه می کند، دفاع از نظم عمومی است، حال آنکه سبب رسیدگی به تخلفات اداری، تخلف از نظم سازمان متبوعه کارمند است.
- ۳ - به موجب اصل ۳۶.ق.ا حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح به رسیدگی جرایم عمومی یعنی، دادگستری صورت گیرد، در صورتی که رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان، در صلاحیت هیأت های رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان است که اینان مطابق ماده ۱.ق.ر.ت.ا، نمایندگان دولت در هر يك از دستگاه های مشمول قانون هستند.
- ۴ - قلمرو جرایم، کلیه ساکنان کشور را شامل می شود، در صورتی که تخلفات تنها خاص کارمندان اداری است.
- ۵ - مجازات پیش بینی شده در قوانین کیفری شدید است، در حالی که مجازات های انضباطی خفیف بوده و تنها شامل حالات استخدای می شود. به همین سبب، آیین دادرسی جرایم، از تشریفات زیادی برخوردار است.
- ۶ - قواعد و اصول معمول در حقوق جزا عینا در مورد قواعد انضباطی و اداری اجرا نمی شود، مثلاً اصلاً قانونی بودن جرم، در حقوق اداری وجود ندارد و هر عملی که خلاف شئون کارمند باشد، قابل مجازات است و این اعمال از قبل قابل پیش بینی نیستند و نمی توان همه آنها را تعیین و توصیف نمود.

۷ - موضوع مقررات انضباطی مثل جرایم، عمومی نیست، بنابراین ممکن است عملی در يك اداره تخلف به حساب آید، ولی در اداره دیگر نه.

۸ - اعتبار قضیه مختومه در مقررات انضباطی جاری نیست. بنابراین کسی که از نظر اتهام اخذ رشوه در دادگاه تبرئه شده، ممکن است به علت ارتکاب همان عمل در دادگاه انضباطی محکوم شود، چون ارتکاب جرم مستلزم احراز عناصر و شرایطی است.

مثلا کسی که برای انجام عملی، قرار گرفتن رشوه را گذاشته، از لحاظ انضباطی قابل مجازات است، در صورتی که مرتکب جرم ارتشاء نشده است.

۹ - اگر دلیلی که متهم در دادگاه کیفری ارائه می کند مورد قبول واقع نشود، این مانع نمی شود که از همین دلیل، در دادگاه انتظامی بهره مند شود، فی الواقع دادگاه انتظامی می تواند از دلایلی که عادتاً در دادگاه پذیرفته نیست، استفاده کند.

۱۰ - احکام صادره برای تخلفات اداری از طرف دادگاه های اداری، بر خلاف احکام قضایی، تنها در دیوان عدالت اداری قابل شکایت و منحصر از لحاظ شکلی قابل رسیدگی هستند.

۱۱ - مجازات های انتظامی تناسب و ارتباط با شغل متخلف دارد مانند توبیخ، تعلیق یا انفصال از اداره، ولی در جرایم، غالباً ارتباطی بین شغل و کیفر وجود ندارد مثل حبس، جزای نقدی.

بعضی از حقوقدانان اسلامی به عدم تفاوت ماهوی بین جرم و خطای اداری اعتقاد دارند. عبدالقادر عوده در تشریح الجنایة الاسلامیة می نویسد: «آنچنان که حقوقدانان امروز بین جرم جنایی و جرم تادیبی یا خطای اداری فرق گذاشته اند، فقیهان، تفاوتی بین آنها قائل نشده اند. علت این امر از جهت بی طبیعت مجازات های شرعی و از جهت دیگر به تحقق بخشیدن به عدالت اسلامی برمی گردد، زیرا جرایم در شریعت، یا جرایم حدودی و یا جرایم قصاص و یا جرایم تعزیر، پس اگر خطای اداری به صورت جرمی از جرایم قصاص یا حدود درآمد، به همان مجازات عقوبت می گردد. محاکمه جنایی مجرم و عقوبت وی به مجازات های معین جرایم حدود و قصاص، مانع از محاکمه تادیبی و اجرای مجازات های تادیبی بر او است، زیرا مجازات های تادیبی تنها مجازات های تادیبی هستند و آنها مجازات جنایی اند، پس گویا مجرم به خاطر يك عمل، دوبار به مجازات جنایی عقوبت می گردد تا چه رسد به مجازات های قصاص و حدود که اشد مجازات های شریعتند و برای تادیب و منع جرم کفایت می کند. هنگامی که جرم کارمند مشمول حد یا قصاص نباشد، در نتیجه از تعزیرات است. خواه نصوص شرعی بر آن دلالت کند و یا مجلس قانون گذاری براساس اقتداری که نصوص شرعی داده، آن را تحریم کند. وقتی جرم از تعزیرات باشد، محاکمه تادیبی جایز نیست، چون تمامی مجازات های تادیبی از قبیل توبیخ، عزل و مانند آن، مجازات های تعزیری هستند، پس اگر کارمند قبلاً محاکمه تادیبی شود و سپس محاکمه جنایی گردد، در هر مرتبه به مجازات تعزیری محاکمه شده است و این چیزی است که نصوص شریعت قبول نمی کند، زیرا قاعده کلی در نصوص شریعت است که «انسان برای فعل واحد، دوبار مجازات نشود». قانون گذار، این نظر را پذیرفته و در تبصره ۳ ماده ۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری حکم کرده است: «... رای به تخلف اداری کارمند تنها در حدود و مجازات های اداری معتبر است و به معنی اثبات جرم هایی که موضوع قانون مجازات اسلامی است، نیست». همچنین در ماده ۱۹ همین قانون تاکید می کند: «... هرگونه تصمیم مراجع قضایی، مانع اجرای مجازات های اداری نخواهد بود...».

۱۲ - تخلفات اداری، اگر چه ممکن است در مقایسه با جرایم دیگر، نظیر قتل و سرقت، رعب انگیز نباشند، اما به لحاظ تأثیرگذار بودن در تخریب اجتماع و انحراف عمومی جامعه بیش از خطاهای دیگر باید مورد ملاحظه و توجه قرار بگیرند. به تعبیر دیگر، بارزترین نشانه انحراف دولت (به معنای عام) و جامعه از قانون، زیادتز از حد طبیعی بودن تخلفات اداری است. اگر در

خانواده دولت میزان فساد زیاد شود، جامعه با يك فاجعه واقعي روبه رو است، زیرا براساس قاعده، کارکنان دولت شاخص ترین افراد جامعه اند و بروز تخلف و انحراف در چنین قشری مشکلی نیست که بتوان به سادگی از کنار آن گذشت .

۱۳ - اختلاف از جهت جنبه های عام و خاص آنها پدیده جنایی، برهم زننده نظم عمومی بوده و لذا محدوده حقوق جزا شامل کلیه کسانی که ساکن کشور هستند، می شود. لذا مدعی العمومي به نمایندگی از سوي جامعه مرتکبان جرایم را تحت پیگرد قرار می دهد، لیکن دادستان اداری و انتظامی به نمایندگی از همان جمعیت و قانون و نه به نمایندگی جامعه، تعقیب و تنبیه متخلف را تقاضا می کند .

۱۴ - اختلاف از جهت طبع عکس العمل ها پدیده جنایی به وسیله مجازات هایی که نوعاً بر فرد حقیقی تعلق می گیرد، سزادهی می شود که تحت عنوان مجازات تا مرحله اعدام و سلب حیات مرتکب، بیش می رود. لیکن طبع مجازات های اداری سبک تر و بعضاً در حواشی مجازات های عمومی قرار می گیرند و ضمانت اجرای ساده ای دارند .

۱۵ - اختلاف از جهت مرجع رسیدگی - مرجع رسیدگی در امور کیفری پدیده جنایی، دادگاه کیفری بوده که طبق قانون تشکیل یافته و اداره می شوند، لیکن مجازات های اداری در محل اداره تشکیل یافته و تابع قوانین خاص می باشند .

۱۶ - اختلاف از جهت عنصر قانونی - در جرایم تعیینی به وسیله قانون گذار، معمولاً عناصر مجرمانه دقیقاً تعریف می گردد، در حالی که در تعریف تخلفات انضباطی، صراحت و تنجیز پدیده جنایی وجود ندارد و این تعریف معمولاً به بخشنامه سپرده شده است.